

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

حزب کار ایران – توفان
۲۰ جنوری ۲۰۱۳

رژیم جمهوری اسلامی در چنبره

اختلافات داخلی و فشارهای امپریالیسم

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی حاکم بر ایران از همان ابتدای شکلگیری خود در چنبره اختلافات و تضادهای داخلی خود گرفتار بوده و این نیز از ماهیت طبقاتی طبقات ناهمگون و تناقض جمهوری با اسلامیت ناشی می‌شود. علی‌رغم اعدام صادق قطب زاده، برکناری بنی صدر که در نتیجه فرار از کشور نجات یافت، کنار گذاشتن آیت‌الله حسینی منتظری از قائم مقامی ولایت فقیه و حبس خانگی وی، تنگ کردن عرصه بر اصلاح طلبان و زندانی کردن بسیاری از یاران دیروزی و یا فرار شماری از آنها به خارج از کشور در سال‌های اخیر و در مجموع، به رغم تصفیه‌های داخلی گاهی اوقات خونین، هنوز هم بعد از ۳۴ سال سلطه بر کشور، موفق نشده است خود را یک دست نماید.

پس از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و شکست سخت اکبر هاشمی رفسنجانی، نامزد انتخاباتی اصلاح طلبان و یکی از متهمان اصلی قتل‌های زنجیره‌ای و بسیاری از اتفاقات ناگوار در کشور در مقابل محمود احمدی نژاد، اختلافات داخلی رژیم وارد فاز جدیدی گردید و ادامه این اختلافات در دوره پیش و پس از برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ایران می‌توان گفت به مرحله حادی رسید. اتهام‌زنی‌های متقابل پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ همراه با زندانی کردن و محاکمه گروهی از اصلاح طلبان شرکت کننده در اعتراضات به نتیجه انتخابات، چهره هر چه علنی تر به خود گرفت. این روند از یک سال مانده به انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری ایران در قالب مخالفت قوای مقننه و قضائیه به ریاست برادران لاریجانی، با قوه مجریه کشور به ریاست محمود احمدی نژاد ابعاد وسیعی یافت. قبل از وارد شدن به جزئیات درگیری‌ها و مخالفت‌های سران سه قوه، لازم است به موضوعی ولی فقیه، چه در دوره آیت‌الله خمینی و چه در دوره نسبتاً طولانی ولایت فقیه‌ای آیت‌الله سید علی خامنه‌ای که بر بالای قوانین کشور قرار دارد، اشاره‌ای هم بشود.

هر دو ولی فقیه کشور، هر گاه که اختلافات مقامات منتسب به جناح‌های مختلف هیأت حاکمه بالا گرفت، همانند شمشیر داموکلس با بهره‌گیری از قدرت و صلاحیت خود، هر کسی را به اندازه‌ای "تخت" خود کرد. این روش در جریان برکناری دولت لیبرال مهندس بازرگان و خلع بنی صدر از سوی خمینی و در موارد مشابه از سوی خامنه‌ای به کار بسته شد. شاید وقوف و آگاهی به همین عدم تجانس جناح بندی‌های درون هیأت حاکمه رژیم اسلامی و باور و یقین به

مخالفت و تقابل دائمی آنها با یکدیگر، مهم ترین دلیل تثبیت اصل ولایت فقیه (اصل پنجم) در قانون اساسی کشور بوده باشد.

با شروع و اوجگیری دور جدید اختلافات درونی رژیم، در خرداد ماه سال ۱۳۸۸، آیت الله علی خامنه‌ای وارد گود شد و بدون تزلزل و مشخصاً از احمدی نژاد که مواضع او را به خود نزدیک می دید، به دفاع برخاست. اما با تشدید این اختلافات از چند ماه پیش، به خصوص پس از دستگیری، علی اکبر جوانفکر، مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور و مدیر عامل خبرگزاری ایرنا درست همزمان با سخنرانی احمد نژاد در ۶۷- امین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، و سپس پاسخ رد رئیس قوه قضائیه به تقاضانامه رئیس جمهور برای بازدید زندان‌ها و جواب سرگشاده احمدی نژاد به آن، آیت الله علی خامنه‌ای بدون این که آن قاطعیت سه سال پیش را از خود نشان دهد، علنی کردن اختلافات را "خیانت" نامید.

به رغم این اخطار ولی فقیه، اگر چه برادران لاریجانی تبعیت خود را از فرمان ولی فقیه اعلام کردند، اما حملات متقابل رؤسای قوای مقننه و قضائیه با رئیس قوه مجریه، هم چنان ادامه یافت و لاریجانی‌ها هم چنان احمدی نژاد را به بی کفایتی و ناتوانی در اداره امور اجرائی کشور متهم ساختند و رئیس جمهور، بدون نام بردن از کسی یا سازمانی، با ایما و اشاره و مبهم گوئی فراوان، همواره موانع بی نام و نشانی را مورد حمله قرار می دهد که "دولت خدمتگزار مردم" را در انجام وظایفش ناکام می گذارند. وی در گام بعدی، پا را فراتر گذاشت و رئیس جمهور مملکت را "منتخب مردم، نماد حاکمیت مردم و بالاترین تجلی مردم سالاری" و حتی بالاتر از ولی فقیه غیرمنتخب و نمایندگان قوه مقننه را منتخب تعداد معدودی از مردم دانست. بدین ترتیب روشن می شود که اخطار ولی فقیه رژیم بر روی هیچیک از سران سه قوه اثرگذار نبود و روند مقابله آنها همچنان ادامه دارد.

در روزها و هفته‌های اخیر، رئیس جمهور احمدی نژاد چند بار باز هم در قالب اشارات مبهم، این موضوع را مورد تأکید قرار داد که "۳۰۰ نفر ۶۰ درصد پول‌های کشور را در اختیار دارند و پس نمی دهند... برخی سازمان‌ها از آنها حمایت می کنند."...

قبل از این نیز، زمانی که گروهی از نمایندگان مجلس با تنظیم نامه‌ای، خواستار سؤال از احمدی نژاد شدند، وی باز هم با اشاره مبهم به سنگ اندازی "عده قلیلی" در راه انجام وظیفه دولت، اظهار داشت که وی سخنانی برای گفتن دارد که فقط برخی از آنها را امروز و برخی دیگر را پس از پایان دوره ریاست جمهوری اش می تواند بگوید و برخی دیگر را حتی هیچ وقت نمی تواند بر زبان آورد و باید با خودش به گور ببرد.

مسئله در خور توجه این است که همه متهم سازی‌های متقابل مقامات و جناح‌های مختلف درون هیأت حاکمه ایران در شرایطی روی می دهد که اکنون، از یک سو، کمتر از ۵ ماه به برگزاری انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری ایران باقی مانده، هر یک از طرفین دعوا سعی خود را متوجه آن کرده‌اند تا مشکلات و معضلات اجتماعی - اقتصادی، بی حقوقی عمومی، بگیری و به بندها و سرکوبی مخالفان را به گردن طرف مقابل انداخته، افکار عمومی را به سود خود مهندسی نمایند و از سوی دیگر، مردم کشور ما زیر فشارهای سیاسی، روانی و اقتصادی گسترده امپریالیسم جهانی، بیشترین آسیب‌ها را تحمل می کنند.

آنچه که روشن است این است که امروزه پس از ۳۴ سال سلطه رژیم اسلامی بر کشور، مقامات و مسئولان مملکت به مصداق "هر که به فکر خویشه، کوسه به فکر ریشه"، بدون این که بخواهند کمترین توجهی به مطالبات و حقوق حقه ۷۵ میلیون نفر ایرانی بنمایند، تمام سعی و کوشش خود را برای تأمین منافع جناحی خویش معطوف نموده و قصد آن دارند با قبضه کامل قدرت سیاسی در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲، به تنهایی و بدون مشارکت رقیب، ثروت‌های ملی میهن ما را تاراج نمایند.

حمله «ارزی» امپریالیسم طی ماه‌های اخیر توأم با اعمال تحریم‌های کمرشکن که حتی صادرات نفتی کشور را تا ۵۰ درصد تقلیل داده و تصویب چهار قطعنامه ضد ایرانی در سازمان ملل متحد، به اضافه بی تدبیری مقامات و مسؤولان در اداره امور کشور، نفس مردم ما را بریده، تشدید فقر و بیکاری، گرانی و افزایش رو به تزاید قیمت‌های خواربار و دیگر نیازمندی‌های عمومی باعث رشد و گسترش مخالفت‌ها و نارضایتی شده است که اگر نیروهای انقلابی میهن پرست موفق به تأثیرگذاری در روند حوادث نشوند، به زیرسُلطه رفتن امپریالیسم گریزناپذیر خواهد بود.

در چنین شرایط متلاطم و بغرنج داخلی و جهانی، حزب ما بر این نظر است که برای دفع خطری که هم از خارج و هم از داخل، میهن ما را تهدید می کنند وظیفه همه نیروهای انقلابی و مترقی است با هوشیاری تمام و در همکاری‌های مشترک ضمن افشای توطئه امپریالیست‌ها و محکوم کردن تحریم اقتصادی و هر نوع تهدید نظامی به ایران، اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی را محکوم و از حقوق دموکراتیک کارگران و زحمتکشان و عموم مردم تحت ستم ایران قاطعانه حمایت نمایند و از هیچ کوششی برای تحقق حقوق حق مردم و مبارزه علیه اجانب دریغ نورزند.

راه رستگاری نهائی کارگران و زحمتکشان ایران، راه سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم تحت رهبری حزب واحد طبقه کارگر، حزب مارکسیستی لنینیستی ایران است. وظیفه مبرم کمونیست‌ها در شرایط کنونی، متحد شدن در حزب واحد طبقه کارگر و تقویت آن و از این طریق پایان دادن به پراکندگی و تشدد فکری و تشکیلاتی در جامعه است. این راهیست پراز سنگلاخ و دشمنان رنگارنگ پرولتاریا، اما راهی جز این راه، برای پیروزی نهائی متصور نیست.

نقل از توفان الکترونیک نشریه الکترونیک حزب کار ایران شماره ۷۸ جدی ۱۳۹۱ جنوری ۲۰۱۳

www.toufan.org

toufan@toufan.org